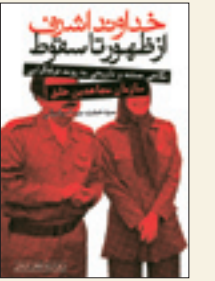


## پیش‌خوان

روند فرقه‌گرایی در سازمان منافقین در آینه یک اثر نوانتشار

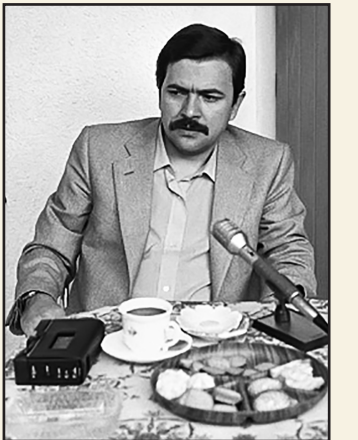
### خوانشی از «خداوند اشرف، از ظهور تا سقوط»

■ **محمد رضا کائینی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به مکتب و کارنامه سازمان موسوم به مجاهدین خلق پرداخته است. این پژوهش توسط سید حجت سیداسماعیلی از اعضای سابق این

گروهک انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را به زیور طبع آراسته است. تاز نمای ناشر در اشارتی کوتاه، در باب این کتاب آورده است: «مجاهدین به رهبری مسعود رجوی به دورهای تعلق داشت که در آن بازار ایدئولوژی گرم بود، بنابراین به اصطلاح ایدئولوژی هویت‌ساز رجوی، نه بر پایه مکتاب الهی، بلکه بر اساس خودفهمی و هویت‌سازی مذهبی خاص خود او شکل گرفته بود. رجوی تلاش کرد با افکار فضایی و ایده‌آلیستی خود، خط فاصلی بین تشکیلات مجاهدین و مذهب اسلام ایجاد کند و با شعار جامعه‌بی‌طبقه توحیدی، انسان‌های تراز مکتب خود را بسازد. این ایدئولوژی در هویت‌بخشی به زندگی سیاسی و اجتماعی، ایده‌هایی حتی چپ‌تر از بقیه ایدئولوژی‌های موجود در ایران را نوید می‌داد و با شعار اسلام در چپ مارکسیسم، تلاش کرد ایدئولوژی حاکم بر مجاهدین را مترقی نشان دهد، ولی در وری همه جوسازی‌های مضحک فرقه‌ای و فروکش کردن گرد و خاک فریکاری ایدئولوژیکی، بحق باید مجاهدین را مرتجعین چپ‌نما و در طیف فرقه‌های سیاسی- مذهبی دسته‌بندی کرد. رهبری مجاهدین با عینک انقلاب ایدئولوژیک، هویت انسان‌ها را به عنوان مقوله‌ای یکدست، تحت تأثیر عقاید قرون وسطایی و فرقه‌ای خود قرار داد. در حالی که چنین هویت خالص و ناب



► ۱۳۶۰، مسعود رجوی در پی فرار به پاریس

که رجوی خود را طلایه‌دار آن می‌دانست، هرگز واقعیت تاریخی نداشت و برگرفته از آگاهی‌های ناقص از اسلام و مارکسیسم بود که لاجرم رجوی را وادار به تبعیت از یک ایدئولوژی التقاطی می‌کرد که در ریشه، از همان اصول بنیادگرایی که بر تار و پود تشکیلات مجاهدین حاکم بود، نشنت می‌گرفت…

نویسنده اثر در بخشی از این تحقیق، در باب توهמת مسعود رجوی در باب پیروزی فرقه متبوع خویش در عملیات مرصاد، به نکاتی خواندنی اشارت برده است: «پل پوت یک سیاستمدار کامبوجی بود که جنبش خمر سرخ به رهبری او از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ حکم راند. در مدت چهار سال حکومت خمرهای سرخ، ۲ میلیون نفر از جمعیت ۸میلیون نفری کامبوج را در کشتزارهای مرگ، در گودال‌هایی که در زمین حفر کرده بودند، به رگبار بسته و سپس همان جا به خاک می‌سپردند. در قرارگاه اشرف برای حمله به ایران توجیه می‌کرد مردم آتش‌زده شد. اموال آنها به غارت رفت و صدها هزار نفر بدون آنکه گناهی کرده باشند، کشته شدند. نظامیان سابق شقه‌شقه شدند. روحانیون، کارمندان دولت، روشنفکران، استادان دانشگاه و کسبه و هیچ کس و هیچ طبقه‌ای، مشمول عفو قرار نگرفت. رجوی هم در طراحی عملیات فرغ جوانان و وقتی نیروها را در دوم مرداد سال ۱۳۶۷، جلور فراف اشرف برای حمله به ایران توجیه می‌کرد و من هم شخصاً در این نشست حضور داشتم، گفت: وقتی تهران را تسخیر کردید تا ۴۸ ساعت با شما کاری ندارم، هر کاری خواستید بکنید، بعداً من آمده و عفو عمومی خواهم داد. جنایات‌های منافقین در دهه ۶۰بار دیگر در کشتار مردم در شهرهای تصرف‌شده حتی مجروحان و بیماران در اسلام‌آباد، نمایی از خوی جنایتکارانه جویست‌ها داشت، اما این تمام ماجرا نبود و در صورت پیروزی، عملیات طرح‌های وحشتناک‌تری هم در دستور کار بود…»

## تاریخ

تاریخ ۸۸۹۸۴۲۷



۱۳۲۹، حاجعلی رزم‌آرا در کنار خانواده خویش

**حاجعلی رزم‌آرا** از یک طرف متعهد و مدیون اربابان خارجی خود از جمله انگلیس و موظف به اجرای تعهداتش بود و از طرف دیگر می‌دانست که دفاعش از لایحه «گس – گلشاپیان» با توجه به جوّ حاکم، در حکم حذف وی بوده و حتی امکان بر پا شدن تظاهرات عمومی علیه او را افزایش می‌داد.

این در حالی بود که نامبرده در خفا، تحت تأثیر پیشنهاد ۷۲/۵درصد مشارکت شرکت‌های آمریکایی قرار گرفته بود که سه مراتب بهتر از پیشنهاد ۵۰–۵۰انگلیسی‌ها بود

مبصر، برای من کافی بود که مطمئن شوم در

خاطرات رزم‌آرا دلایلی دال بر نقش او در ترور

وجود داشته است…».

ضارب محمد رضاشاه، ناصر فخرآرای بود. در آن روزها که سرلشکر دفتری اجودان شاه بود، وی نزدیک‌ترین فرد به رزم‌آرا نیز به شمار می‌رفت.

دفتری بلافاصله بعد از اتمام فشنگ‌های ضارب، دستور کشتن وی را صادر کرد و حتی خود وی نیز چند گلوله به جنازه شلیک کرد!بعد از کشته شدن ضارب کارتی در جیب وی یافتند که وابستگی‌اش را به حزب توده نشان می‌داد و لذا بهترین بهانه برای رزم‌آرا منتسب کردن این حادثه به توده‌ای‌ها و حتی مذهبیین بود.

■ **پهلوی دوم، ناگزیر از انتصاب تیمسار**
شاه به دلیل عدم‌توان مقابله با فشارهای انگلیس و امریکا از یک طرف و افزایش ناراضیاتی مردم از کابینه منصور و انفعال کابینه وی در حل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه از طرف

دیگر، به‌رم میل باطنی خود، اقدام به معرفی رزم‌آرا به عنوان نخست‌وزیر کرد. رزم‌آرا نیز در همان روز کابینه خود را معرفی کرد و در اولین فرصت، خواهان بهبود مناسبات ایران با شوروی شد. رزم‌آرا سعی کرد با احتیاط موضوع پرونده نفت را در مجلس مطرح کند، اما به محض طرح موضوع، با مخالفت‌های شدید اقلیت مجلس از جمله مصدق و آیت‌الله کاشانی روبه‌رو شد و حتی در همان مراحل اولیه، دولت رزم‌آرا بابت مسئله نفت استیضاح کردند. رزم‌آرا از یک طرف متعهد و مدیون اربابان خارجی خود از جمله انگلیس و موظف به اجرای تعهداتش بود و از طرف دیگر می‌دانست که دفاعش از لایحه «گس-گلشاپیان» با توجه به جوّ حاکم، در حکم حذف وی بوده و حتی امکان بر پا شدن تظاهرات عمومی را افزایش می‌داد و این در حالی بود که وی در خفا، تحت تأثیر پیشنهاد ۷۲/۵درصد مشارکت شرکت‌های امریکایی با ایران قرار گرفته بود که به مراتب بهتر از پیشنهاد ۵۰–۵۰ انگلیسی‌ها بود. وی در ظاهر لایحه را پس گرفت، اما در اصل از سر اجبار بود. وی مرتصد فرصت مناسبی جهت اجرای منویات و بلندپروازی‌های خود، در هر شکل ممکن بود و حتی موضوع نیزترزدایی می‌شد. در همین راستا، دولت وی به‌ظاهر اصلاح‌طلبانه‌اش، در زیر ذره‌بین نقد و تحلیل مخالفان به عنوان موضوعی که با توتلمه در جهت تجزیه کشور صورت گرفته است، قلمداد می‌شد. در این راستا هر چه دولت رزم‌آرا به پیش می‌رفت، با فشارها و موضوعات فریج‌تری در بعد داخلی و خارجی مواجه می‌شد، اما با دو دیدگاه و نیت متفاوت، انگلیس برای تصویب و اجرای قرارداد نفت جنوب، شددیدا دولت رزم‌آرا را به فشار گذاشته بود و از سوی دیگر اصرار هر چه به دلیل ارتباط بسیار عمیقی که با مظفر فیروز معاون نخست‌وزیر وقت – قوام – داشت، رئیس ستاد ارتش شد، باقرعالی در این باره می‌نویسد: «تدبیر و سیاست قوام و چالاکي و تحرک رزم‌آرا، مشکلات داخلی کشور را حل کرد. رزم‌آرا بر ارتش کاملاً تسلط یافت و دوست و دشمن، به لیاقت او ایمان آوردند. رزم‌آرا در این مدت، رقیب‌های نظامی خود را از بین برد و راه‌های تازه‌ای برای ورود به صحنه سیاست باز کرد.»

■ **ارتش رضا شاه، قدرت ۴۸ساعت مقاومت را نخواهد داشت**

رزم‌آرا با جته بر لاغرش، آنچنان جسور، بی‌پروا و بی‌پاک بود که در زمان رضاشاه که کسی جرئت اظهارنظر صریح در مورد توانایی‌های ارتش را که حوزه اختیارات خاص شاه بود، نداشت، در جلسه افسران ارتش و در حضور رضاشاه اعلام کرد در صورت حمله متفقین به ایران، ارتش قدرت ۴۸ساعت مقاومت را نخواهد داشت! لذا وی همیشه به دلیل تحرکات نظامی در سر کوب مخالفان و مردم، قبل از ظهر یور ۱۳۲۰ و بعد از آن، همسواره مورد توجه رجال سیاسی و نظامی از جمله خود شاه بود. رزم‌آرا به دلیل ارتباط بسیار عمیقی که با مظفر فیروز معاون نخست‌وزیر وقت – قوام – داشت، رئیس ستاد ارتش شد، باقرعالی در این باره می‌نویسد: «تدبیر و سیاست قوام و چالاکي و تحرک رزم‌آرا، مشکلات داخلی کشور را حل کرد. رزم‌آرا بر ارتش کاملاً تسلط یافت و دوست و دشمن، به لیاقت او ایمان آوردند. رزم‌آرا در این مدت، رقیب‌های نظامی خود را از بین برد و راه‌های تازه‌ای برای ورود به صحنه سیاست باز کرد.»

بعـد از حـل غـائله آذربایجان، زمانی که ساعـد نخست‌وزیر بود، در جریان حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ که به جان شاه سوء قصد شد، به‌رم نزدیک رزم‌آرا و شاه بعد از مسئله آذربایجان، صحبت‌های بسیاری از نقش رزم‌آرا در قضیه ترور شاه مطرح می‌شد که البته با توجه به روحيات و ویژگی‌های قدرت‌طلبي و مقام پرستی وی که معتقد به ضعف مخالفان و رقبای خود حتی شاه به هر طریق ممکن بود، این شایعات و اخبار چندان هم دور از واقعیت نمی‌آمد. در دفتر خاطرات رزم‌آرا که ظاهر ابعـد از مرگ وی در منزل شد به دست آمد، یادداشت‌هایی که به نوعی نقش وی را در عملیات ترور ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ نشان می‌دهد، وجود داشته است. فردوست در این فقره باور دارد: «بعدها که خود رزم‌آرا ترور شد، مَبْخَر که در آن موقع رئیس اطلاعات و تجسس رکن ۲ ستاد ارتش بود، دفتر خاطرات رزم‌آرا را در جست‌وجوی خنده‌اش پیدا کرد. مبصر به من گفت: در این جزوه در یادداشت‌های حوالی ۱۵ بهمن مطالب جالبی است. مبصر به‌رم اصرار من در خصوص آن خاطرات، گفت که جزوه‌ها را به شاه داده‌اند است. فردوست ادامه می‌دهد: شاه یکی دو بار در حضور من گفت، این رزم‌آرا هم عجب اعجوبه خطرناکی بود! این اشاره با توجه به سخنان

تا حدود زیادی فراهم می‌کرد. وی از همان ابتدای قرار گرفتن رضاخان در ساختار قدرت ایران، در عملیات‌ها و مأموریت‌های مختلف مورد توجه خاص وی – با آن سن کم – قرار گرفت و سپس جزو نخستین افسران اعزامی به فرانسه بود. رزم‌آرا دوران نظامی را در دانشکده معروف «سن‌سیر» به موفقیت به پایان رساند و در سال ۱۳۰۸(ه.ش) به کشور بازگشت و با درجه سرهنگ دومی وارد خدمت ارتش شد. اولین سمت وی در تشکیلات نوین ارتش ایران، فرماندهی یک هنگ در کرمانشاه و سپس لرستان بود. رزم‌آرا با اطلاع کامل از نقشه و جغرافیای ایران که در طول چندین سال تمام خاک ایران را در نور دیده بود، مجموعه‌ای ۱۸جلدی از جغرافیای نظامی که شامل

اطلاعات سیاسی – اقتصادی و اجتماعی وسیعی از جامعه ایران بوده، تهیه کرد که در جای خود در اهمیت است. رزم‌آرا نسبت به اکثر افسران ارتش دوران خود، از توانایی‌های فوق‌العاده‌ای از نظر هوش، زیرکی و قدرت تجزیه و تحلیل سریع برخوردار بود. از جمله ویژگی‌های وی، سلطنت‌طلبی



## رزم‌آرا به پیشنهاد اعضای جبهه ملی و موافقت شهید نواب صفوی، در لیست سیاه قرار گرفت. رهبر فدائیان اسلام مانند بعضی از عناصر جبهه ملی، به این نتیجه رسید که رزم‌آرا مانعی بزرگ برای ملی شدن صنعت نفت است، لذا در جلساتی که بین بعضی از اعضای جبهه ملی و فدائیان اسلام برگزار شد، این گروه مأموریت اعدام انقلابی رزم‌آرا را به عهده گرفت و جبهه ملی در مقابل قول داد در صورت رسیدن به قدرت، احکام اسلام را در کشور اجرا کند

افراطی، زدوبند با سفارت انگلیس و قدرت‌طلبی وی بود. حسین فردوست درباره معتقد است: «رزم‌آرا فوق‌العاده مقام‌پرست و شجاع بود. کار غیرممکن ولو واقعاً غیرممکن، برای او وجود خارجی نداشت. افسران اعزامی به فرانسه بود. رجوی کار آمدن این دولت را در دانشکده معروف «سن‌سیر» به موفقیت به پایان رساند و در سال ۱۳۰۸(ه.ش) به کشور بازگشت و با درجه سرهنگ دومی وارد خدمت ارتش شد. اولین سمت وی در تشکیلات نوین ارتش ایران، فرماندهی یک هنگ در کرمانشاه و سپس لرستان بود. رزم‌آرا با اطلاع کامل از نقشه و جغرافیای ایران که در طول چندین سال تمام خاک ایران را در نور دیده بود، مجموعه‌ای ۱۸جلدی از جغرافیای نظامی که شامل

اطلاعات سیاسی – اقتصادی و اجتماعی وسیعی از جامعه ایران بوده، تهیه کرد که در جای خود در اهمیت است. رزم‌آرا نسبت به اکثر افسران ارتش دوران خود، از توانایی‌های فوق‌العاده‌ای از نظر هوش، زیرکی و قدرت تجزیه و تحلیل سریع برخوردار بود. از جمله ویژگی‌های وی، سلطنت‌طلبی



## رزم‌آرا به پیشنهاد اعضای جبهه ملی و موافقت شهید نواب صفوی، در لیست سیاه قرار گرفت. رهبر فدائیان اسلام مانند بعضی از عناصر جبهه ملی، به این نتیجه رسید که رزم‌آرا مانعی بزرگ برای ملی شدن صنعت نفت است، لذا در جلساتی که بین بعضی از اعضای جبهه ملی و فدائیان اسلام برگزار شد، این گروه مأموریت اعدام انقلابی رزم‌آرا را به عهده گرفت و جبهه ملی در مقابل قول داد در صورت رسیدن به قدرت، احکام اسلام را در کشور اجرا کند

دوشنبه ۲۶ تیر ۱۴۰۲ | ۲۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ |

با روس‌ها، حتی باعث تردید، دلسردی و حتی رنجش امریکایی‌ها از وی شد. رزم‌آرا همچنین با دست به دست کردن موضوع پیشنهادی انگلیس در خصوص نفت (۵۰–۵۰)، زمینه اتمام حجت انگلیس را که از طریق سفیر آن کشور به رزم‌آرا تسلیم شد، فراهم کرد. با وجود این رزم‌آرا با فشار و وساطت امریکا و انگلیس، خواهان اختیارات ویژه از شاه جهت اجرای اهداف و مقاصدش بود که این تقاضا و ماهیت آن، به خوبی حکایت از وابستگی و سرسپردگی قدرتمندترین فرد نظامی ایران و حتی شخص نخست‌وزیر به بیگانگان دارد. این موضوع برای نظام سلطنتی و شخص شاه در حکم کابوس بود، زیرا تمام فاکتورهای تعیین‌کننده از جمله ارتش، دولت و برخی مراکز عمده تصمیم‌گیری در دست رزم‌آرا بود و احتمال کودتای نظامی با توجه به روحيات وی، چندان هم بعید به نظر نمی‌رسید. متعاقب این سلسله‌رویدادها و مسائل، به دعوت آیت‌الله کاشان و دکتر مصدق، تظاهرات گسترده‌ای علیه نخست‌وزیر بر پا شد. در این شرایط که رزم‌آرا در مقابله با نهضت ملی مردم ایران، سخت در تنگنا قرار گرفته و در اجرای نقشه‌های شوم استبدادی‌اش با ناکامی روبه‌رو می‌شد، بیشتر از یک شانس برای وی وجود نداشت و آن هم دست زدن به کودتا و حل مسئله نفت به دلخواه خود و بیگانگان، پس از به دست گرفتن قدرت مطلقه بود.

■ **مواجهه قاطع نبروهای مذهبی و ملی با رزم‌آرا**

حاجعلی رزم‌آرا به پیشنهاد اعضای جبهه ملی و موافقت شهید سیدمجتبی نواب صفوی در لیست سیاه قرار گرفت. رهبر فدائیان اسلام مانند بعضی از عناصر جبهه ملی، به این نتیجه رسید که رزم‌آرا مانع بزرگی برای ملی شدن صنعت نفت است. لذا در جلساتی که بین بعضی از اعضای جبهه ملی و فدائیان اسلام برگزار شد، این گروه مأموریت اعدام رزم‌آرا را به عهده گرفت و جبهه ملی در مقابل قول داد در صورت رسیدن به قدرت، احکام اسلام را اجرا کنند.

سرانجام رزم‌آرا در روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، توسط شهید استاد خلیل طهماسبی عضو فدائیان اسلام به هلاکت رسید و مردم ایران، یک گام برای ملی کردن صنعت نفت به جلو تر گذاشتند. بعد از مرگ رزم‌آرا کشورهای استعماری از جمله انگلیس، امریکا و شوروی، هر کدام مراتب تأثر و تأسّف خود را از این واقعه اعلام کردند، زیرا به خوبی می‌دانستند که وجود شخص رزم‌آرا اهداف و منافع استعماری آنها را تا حدود زیادی تضمین می‌کرد. آنچه در بر کنساری رزم‌آرا جلوگیری از مانع تراشی او در جهت ملی شدن نفت بسیار مؤثر واقع شد، نقش مؤثر نیروهای مذهبی به‌ویژه فدائیان اسلام بود. تا قبل از اقدام انقلابی نامبرده، ناتوانی مبارزات پارلمانی و حزبی در مقابل فردی سمج و یک‌دنده همچون رزم‌آرا آشکار شده بود و خروج از بحران فوق کامل غیرممکن می‌نمود. در چنین شرایطی که اسناد سیاسی بر فضای کشور حاکم شده بود، به تقاضای آیت‌الله کاشانی که همکاری او با فدائیان اسلام از سال‌های قبل شکل یافته بود و جبهه ملی، جلسه‌ای در منزل محمود آقایی تشکیل شد. در این جلسه اعضای اصلی جبهه ملی، به‌جز دکتر مصدق حضور داشتند. افرادی چون: دکتر فاطمی، حسین مکی، مظفر بقایی و حائری‌زاده معتقد بودند خطر اصلی رزم‌آرا است و شاه خطری ندارد. با تحلیلی که اعضای جبهه ملی از وضعیت ایران ارائه دادند، شهید نواب صفوی برارنش را برای از میان برداشتن رزم‌آرا متقاعد کرد، حتی اعضای جبهه ملی متعهد شدند پس از قرار گرفتن در رأس قدرت، هر گونه قانون مخالف اسلام را ملغی کنند و به اجرای قوانین اسلامی بپردازند. در این باره، جلسه دیگری نیز با حضور آیت‌الله کاشانی و شهید نواب صفوی در منزل حاج ابوالقاسم رفیعی تشکیل شد و طی این دو جلسه، فتوای قتل رزم‌آرا و تنی چند از مخالفان نهضت ملی صادر شد. در این راستا سید عبدالرحمن احدی مرد شماره ۲ فدائیان اسلام طی یک سخنرانی در مسجد شاه با رزم‌آرا اتمام حجت کرد و ضمن تهدید وی به قتل گفت: «رزم‌آرا اگر خود تا سه روز دیگر کنار نروی، تو را خواهم کشت! انتصاح» متعاقب آن پنج روز بعد، در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، زمانی که رزم‌آرا قصد داشت برای شرکت در مجلس ختم آیت‌الله رفیعی به صحن مسجد شاه وارد شود، با شلیک سه گلوله از سوی استاد خلیل طهماسبی از پای درآمد.

■ **پیامدهای اعدام انقلابی رزم‌آرا**
این اعدام انقلابی که بر اساس معیارهای مذهبی و در جهت منافع ملی صورت گرفته بود، در مسیر تحولات سیاسی کشور تأثیری شگرف داشت، به گونه‌ای که فرای همان روز کمیسیون نفت به اتفاق آرا، اصل ملی شدن نفت را پذیرفت و نفت در مدت یک هفته، از سوی مجلسین ملی اعلام شد. فدائیان اسلام با انتشار اعلامیه‌ای، مسئولیت اعدام رزم‌آرا را به عهده گرفتند و رژیم پهلوی و رجال سیاسی کشور را در صورت آزاد نکردن طهماسبی، به اقداماتی شدیدتر تهدید کردند. هر چند اعلام بعدها، شیبهاتی بر این اقدام انقلابی وارد آوردند و دست‌های دیگری را در آن دخیل دانستند، اما اعتراف محکم و قوی استاد طهماسبی و نیز بر عهده گرفتن مسئولیت آن از سوی فدائیان اسلام و دستاورد مهم این اقدام، جای هیچ گونه خدشه‌ای را بر اصل موضوع و اعلان آن باقی نگذارد و تلاش مذنبوحانه در جهت کاستن اعتبار کار فدائیان اسلام، به اعتبار فرد یا استاد دیگری نیفزود.